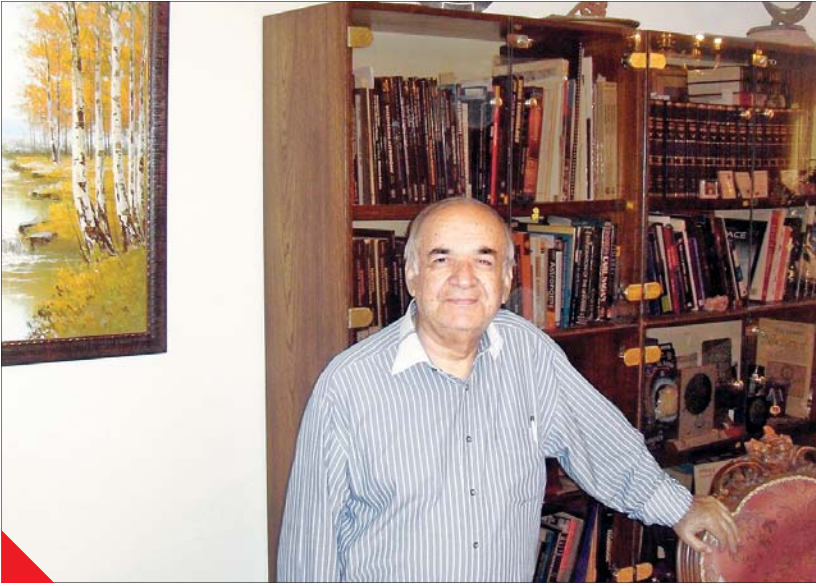


شیوه‌های ترویج علم در گفت‌وگو با «احمد دالکی»، پدر نجوم آماتوری ایران

از جنگل پر درخت تا آسمان پر ستاره

سلیمان فرهادیان



حتی اگر استاد «احمد دالکی» را هم نشناسیم، به محض آنکه به خانه‌اش یا می‌گذاریم، به عشق و علاقه‌اش بی‌می‌بریم؛ درگاه ورودی خانه‌اش را با استفاده از یک چتر، به آسمان‌نمای کوچکی مزین کرده و اینگونه، عشق و علاقه‌اش به آسمان و زیبایی‌های آن را به میهمانش گوشزد می‌کند. سر تاسر اتاق پذیرایی‌اش هم کتابخانه‌ای دارد پر از کتاب، به ویژه کتاب‌ها و مجلاتی درباره نجوم. راه‌وردها و یادگاری‌های نجومی که از دیگر کشورها آورده، خانه‌اش را به یک موزه کوچک شبیه کرده است. هرچند استاد «دالکی» سال‌ها در عرصه ترویج علوم، به ویژه نجوم آماتوری فعالیت کرده است و طرفداران نجوم آماتوری از او با عنوان پدر نجوم آماتوری یاد می‌کنند. اما خودش چندان در قید عنوان‌ها و صفت‌های پرطمطراق نیست و با گفتن اینکه «جوانان رعایت حالم را کرده‌اند و حرمت موهای سفیدم را نگه داشته‌اند»، درویشانه از کنار این عنوان افتخار آمیز، عبور می‌کند. استاد «احمد دالکی» سال‌ها در زمینه ترویج علم فعالیت کرده است و به نوعی پایه‌گذار بسیاری از برنامه‌های علمی آشنای رسانه‌هاست. او حرف‌های بسیاری دارد که شنیدنی است.

✎ آقای «دالکی» چه شد که از کشاورزی به موضوع نقشه‌برداری علاقه‌مند شدید؟

رشته تحصیلی من کشاورزی بود، اما بعدها در زمینه جنگل و مهندسی جنگل کار کردم. سازمان جنگلبانی آن زمان زیر نظر وزارت کشاورزی بود و زمانی که ما کارمان را در آنجا شروع کردیم، هیچ نقشه‌ای از جنگل‌های ایران در دسترس نبود و مستشاران خارجی از کشورهای مختلف در ایران بودند که مدیریت و بهره‌برداری از جنگل‌ها را بر عهده داشتند و ما هم همراه و همکارانشان بودیم. یک سازمانی در هلند بود که ITC نام داشت. هلند این مرکز را در دهه ۱۹۵۰ تأسیس کرد که از همه کشورهای جهان، دانشجوی می‌گرفت. فعالیت‌های این سازمان، بخشی از کمک کشور هلند به سازمان ملل محسوب می‌شد و من در رشته نقشه‌برداری هوایی و تفسیر عکس‌ها در این موسسه تحصیل کردم.

✎ به زبان هلندی درس می‌خواندید؟

خیر. هلند این مرکز بسیار بزرگ را برای همه کشورهای دنیا تأسیس کرده بود، نه‌فقط برای کشور خودش. شاید جالب باشد که بگویم علاوه بر دانشجویان، استادان هم از تمام کشورهای جهان انتخاب شده بودند و به همین دلیل به چهار زبان انگلیسی، فرانسه، اسپانیولی و آلمانی تدریس می‌کردند. جالب اینکه این سازمان بورسیه هم می‌داد، یکی از دوره‌هایی را که من در این موسسه گذراندم بورسیه سازمان برنامه خودمان بودم و دوره دیگر بورسیه دولت هلند بودم.

✎ در هلند تفسیر عکس‌های هوایی خواندید و در آمریکا تفسیر عکس‌های ماهواره‌ای؟

بله. من سال ۱۹۶۴ دوره تفسیر عکس‌های هوایی را خواندم، ولی تا سال ۱۹۶۷ و ۶۸ هنوز عکس‌های ماهواره‌ای نیامده بود. عکس‌های ماهواره‌ای از سال ۱۹۷۲ رایج شد و من سال ۱۹۷۶ به آمریکا رفتم، یعنی چهارسال پس از آنکه ماهواره لندست ارسال عکس‌ها را آغاز کرد، من در این رشته تحصیل کردم.

✎ اصلا تفسیر عکس‌های هوایی و ماهواره‌ای در جنگلبانی چه کاربردهایی دارد؟

تا پیش از آن زمان، اصلا نقشه‌ای از جنگل‌های شمال در دسترس نبود و در نتیجه محدوده جنگل‌ها یا مساحت آن اصلا معلوم نبود، ولی با استفاده از تصویرهای هوایی، ما ۸۳ قطعه نقشه از استان‌ها تا آن طرف استان گلستان تهیه کردیم. عکس‌های هوایی گاهی آنقدر اطلاعات زیادی به ما می‌دهد که اگر شما خودتان بروید در طبیعت نمی‌توانید اینقدر اطلاعات جمع‌آوری کنید. برای مثال اگر شما بروید در یک کارخانه خودروسازی، شاید نتوانید به راحتی مشخص کنید که در این کارخانه چند خودرو ساخته شده و چه مقدار مواد اولیه در انبارهاست، ولی اگر عکس هوایی آنجا را داشته باشید، همه چیز مشخص می‌شود. یکی از ویژگی‌های مهم عکس‌های هوایی، سبعمدی بودن آنهاست. در نتیجه از تغای یک ساختمان یا یک هواپیما که روی زمین نشسته است، تعیین و حجم درخت و میزان چوبی که از درختان به دست می‌آید، از روی همین عکس‌ها مشخص می‌شود. بنابراین زمانی که ما این نقشه‌ها را تهیه کردیم، برای اولین‌بار فهمیدیم که در جنگل‌های شمال چه مقدار چوب هست و از چه نوعی است، راث است، بلوط است یا ممز یا انواع دیگر؟ بنابراین، ویژگی عکس‌های هوایی این است که به ما دیدگاه بسیار وسیعی می‌دهد. در نتیجه می‌توان تمام مشخصات منطقه را به‌طور کامل شناخت.

✎ کمی هم از تجربیات خود در عرصه تولیدات برنامه‌های تلویزیونی بگویید.

در دهه ۱۳۶۰ شبکه دوم تلویزیون دو برنامه داشت که همه می‌پسندیدند. یکی برنامه «دینی‌ها» بود که آقای «جلال مقلی» اجرا می‌کرد که برنامه بسیار خوب و جالب و به‌حق دیدنی‌ای بود و دیگری برنامه «گوناگون» بود. برنامه گوناگون را هیاتی اداره می‌کردند که همه در کارشان استاد و باتجربه بودند و به کارشان عشق داشتند. من که آن زمان بیننده این برنامه بودم، مواردی را تذکر می‌دادم که مثلاً به این صورت نیست و درستش آن است. در نهایت از من دعوت کردند که حضوری نزدشان بروم من هم رفتم و همکاری درآورد و مختصری را با آنها شروع کردم. بعد از شش ماه از من دعوت کردند که مجری این برنامه (گوناگون) شوم. گفتم مجری می‌شوم به این شرط که یک بخش یا به قول تلویزیونی‌ها، یک آیتم را به نجوم و ستاره‌شناسی اختصاص دهند. آنها گفتند مشکل این است که ما متخصص را نداریم. گفتم من خودم این بخش را تهیه می‌کنم. این برنامه چهار سال ادامه پیدا کرد و هر هفته عصرهای جمعه پخش می‌شد که حتما یک آیتم نجوم و ستاره‌شناسی داشت.

✎ برنامه «آسمان شب» چگونه شکل گرفت؟

در دهه ۱۳۷۰ هنوز توجه جمعی در من بود و برخی اوقات به کوه (به ویژه کلکچال) می‌رفتم. یک روز آقای «ارزجانی»، (رییس مجلس فعی و رییس صلدوسیمای آن زمان) را در نزدیکی کلکچال دیدیم. به او گفتم که شما از زمانی که به تلویزیون آمدید برنامه‌های خوبی تهیه کردید ولی چرا برنامه‌های نجومی ندارید؟ یک برنامه نجومی ثابت، ایشان هم خیلی با صراحت گفت ما متخصص را نداریم. این کار را نداریم. گفتم اگر کارشناسش را ما فراهم کنیم، چطور؟ گفت کارشناسش را شما جور کن، بقیه‌اش با من. من برگشتم و طرحی برای تهیه یک برنامه نجومی ثابت تلویزیونی دادم. جزئیات این طرح را همراه یک نامه خدمتشان دادم و ایشان هم موافقت کردند و برنامه «آسمان شب» به این ترتیب متولد شد که خوشبختانه هنوز هم ادامه دارد.

✎ الان حضور ذهن دارید در طرحی که برای آسمان شب نوشته بودید، چه

مرز پر گهر

یکی از مهم‌ترین پدیده‌های طبیعت که توجه مرا بسیار به خود مشغول کرده، آسمان است، به ویژه آسمان کشورمان که هم خوشبختانه و هم متأسفانه، بدون آب است. تأثیر چنین آسمان پرستاره‌ای را ما در آثار بسیاری از شاعران و عارفان کشورهام می‌بینیم. در هلند بیش از ۲۰۰ روز سال بارانی است. بنابراین نمی‌توان در این مدت آسمان را دید. اما در کشور ما در ۲۰۰ روز سال هوا صاف است (به غیر از برخی مناطق شمال کشور) و می‌توان به‌خوبی آسمان را تماشا کرد. این آسمان، زیبایی‌ها و تجلی‌های بسیار خاص و پرشگوهی دارد که از عظمت آفرینش سخن می‌گوید. خوشبختانه جوانان ما هم جوانان بسیار کنجکاوی هستند و می‌خواهند از راز این پدیده‌ها سر در آورند. این ویژگی آسمان ایران به جوانان ما کمک می‌کند که بهتر و راحت‌تر نجوم و ستاره‌شناسی را درک کنند. اگر کسی در اوقات فراغت به تماشای آسمان بپردازد، هم از زیبایی‌های آن لذت می‌برد و هم چیزهای بسیار باارزشی می‌آموزد.

علم

بخش‌هایی را پیش‌بینی کرده‌بودید؟

یکی از بخش‌ها این بود که وضعیت آسمان و پدیده‌های نجومی، هفته بعد تشریح شود. مثلاً سیاره‌های زهره، زحل (به ویژه آنهایی که با چشم غیرمسلح و بدون ابزار دیده می‌شوند) چه موقعیتی دارند، کی طلوع و غروب می‌کنند و کجای آسمان هستند. وقایع مهم نجومی مانند ماه‌گرفتگی و خورشیدگرفتگی و همه وقایع مهم را استخراج و از آنها گزارش و خبر تهیه می‌کردیم. علاوه بر اینها، بخش آموزشی داشتیم. برنامه‌های آموزشی را هم از شبکه‌های مختلف خارجی می‌گرفتیم. مصاحبه با ستاره‌شناسان آماتور و گاهی هم با استادان، از دیگر بخش‌های برنامه‌های ما بود.

✎ برای تهیه این برنامه‌ها از چه منابعی بیشتر استفاده می‌کردید؟

بی‌اغراق بگویم که من از سال‌های گذشته، مشترک بیش از ۱۰مجله علمی خارجی بودم و هنوز هم مشترک هستم. به‌رغم اینکه دلار خیلی‌گران شده، ولی من هنوز هم مشترک این نشریات علمی هستم و همه آنها را در آرشیوم دارم. ما برای تولید برنامه از مجلات خارجی زیاد استفاده می‌کردیم. البته آن زمان کار ما خیلی دشوار بود چون مثل الان کمپیوتر و اینترنت و از این قبیل ابزار در دسترس نبود. مجلات خارجی و کتاب‌های خارجی از مهم‌ترین منابع ما بود. البته یکی از مهم‌ترین ملاک‌ها و معیارهای من برای تهیه خبر و گزارش و کلاً برنامه‌های علمی، استفاده از منابع دقیق و درست بود. به همین دلیل هم بود که به‌رغم اینکه تعداد زیادی برنامه تهیه و پخش کردیم، کسی ایراد یا اشکال علمی از برنامه‌های ما نگرفت. یعنی وقت و انرژی صرف کردیم و برنامه‌هایمان را با دقت بسیار تهیه کردیم تا برنامه‌هایمان بدون اشکال و ایراد و قابل استناد باشد.

✎ شاید همین دقت‌های علمی شما باعث شده بود که این برنامه هواخواه زیادی داشته باشد. استاد «شجریان» که فعالیت زیادی دارند و کمتر به برنامه‌های تلویزیونی توجه می‌کنند، اما در جایی گفتند که برنامه «آسمان شب» شما را نگاه می‌کنند. بله. آقای «شجریان» باحق، استاد هستند و حق بزرگی بر گردن هنر ایران دارند و سیاسنگزارم که به این برنامه لطف داشتند. خوب است اینجا به خاطره‌ای هم از استاد «شجریان» اشاره کنم. کار خوشنویسی آن نقشه‌های جنگلی که دربار‌اش صحبت کردیم را استاد «شجریان» انجام دادند. آقای «شجریان» علاوه بر هنرهای زیادی که دارند و همه می‌دانند، هنرهای هم دارند که کمتر کسی می‌داند، مانند خوشنویسی. نامه‌های مناطق مختلف مانند کوه‌ها و دره‌ها و آبادی‌ها را آن زمان استاد «شجریان» با خط زیبای خود در نقشه‌ها نوشتند.

✎ چه انگیزه‌ای در شما بود که باعث شد در حوزه‌های گوناگون علمی (مانند کشاورزی، جنگلبانی، تفسیر عکس هوایی، نجوم و ترویج علم) فعالیت کنید؟ من خوشحالم که این جرات را داشتیم که برای بسیاری از کارها قدم جلو بگذارم و پیشگام باشم. آدم گاهی می‌ترسد که کاری را شروع کند چون همیشه نگران است که شاید این کار بد شود، آدم‌های عیب‌جو هم که همیشه و همه‌جا هستند و دنبال نقطه‌ضعف می‌گردند، اما خوشبختانه من نترسیدم. همین مرکز علوم و ستاره‌شناسی که دربار‌اش صحبت کردیم، من در فرانسه نمونه‌اش را دیده بودم و با خودم گفتم من هم چنین مرکزی را در ایران می‌سازم. پیشگام شدم و الحمدالله خدا توفیق داد که توانستم بسازیم. همین آسمان‌نمای تهران را نظیرش را در سال ۱۳۴۲ در لندن دیدم و شپه‌اش را را در اینجا ساختم که خیلی هم موفق از کار درآمد.

✎ شما علاوه بر تلویزیون در رادیو هم برنامه‌های علمی داشتید؟

بله، من در رادیو هم برنامه داشتم. در کل فهرست برنامه‌های رادیویی من بسیار مفصل است. برنامه‌های نورآوران، عصر امروز، سیری در سپهر برای شبکه دو صدا، برنامه باشگاه دانشمندان جوان، برنامه رادیو گفت‌وگو (یکی از کارهای من گفت‌وگو با بسیاری از بزرگان علمی است)، از جمله شناخته‌شده‌ترین برنامه‌های من هست و این اواخر هم که در رادیو جوان بودم.

✎ فعالیت مطبوعاتی و نوشتاری شما به چه صورت بود؟

عمده فعالیت‌های نوشتاری من به صورت مقاله در ماهنامه «آسمان شب» منتشر شد. یکی از موضوعاتی را که در این نشریه به آن پرداختم شرح مسافرت‌های علمی‌ام به بسیاری از مراکز علمی جهان است. برای مثال در جزایر هاوایی ۱۳رصدخانه در قله کوه در یک منطقه قرار دارد که جزو بزرگ‌ترین رصدخانه‌های دنیا هستند. گزارش از سفر به رصدخانه کیت‌پیک و موارد از این دست را بسیار نوشتم.

یاد ایام

باز خوانی کوتاه زندگی استاد «احمد دالکی»

استاد احمد دالکی، نهم شه‌ریور ۱۳۱۵ شمسی در شیراز متولد شد. تحصیلات ابتدایی را در شیراز به پایان رساند و نخستین دوره تحصیلات دانشگاهی خود تا مقطع کارشناسی را نیز در شیراز سپری کرد و در سال ۱۳۳۷، با کسب مدرک مهندسی کشاورزی، از دانشکده کشاورزی شیراز فارغ‌التحصیل شد و سپس برای ادامه تحصیل به خارج از ایران سفر کرد. وی سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۴۳ در موسسه بین‌المللی هوا و فضا و آموزش‌ای در هلند تحصیل کرد و مدرک مهندسی نقشه‌برداری هوایی (فتوگرامتری) را از آن مرکز کسب کرد. چهار سال بعد نیز مدرک مهندسی تفسیر عکس‌های هوایی با کاربرد در تشخیص منابع زمین را از همین موسسه در هلند دریافت کرد. سپس در سال ۱۳۵۵، دوره‌ای تخصصی را در سوفالز ایالت داکوتای جنوبی در آمریکا گذراند. این دوره دربراره سنجش از راه دور و کاربرد تصاویر ماهواره‌ای در تشخیص منابع زمین بود و در مرکز مشترک آموزشی سازمان زمین‌شناسی آمریکا و سازمان فضایی و هوانوردی آمریکا (ناسا) برگزار شد. وی از سال ۱۳۳۸ تا دو سال پس از انقلاب در سازمان جنگلبانی مشغول به فعالیت بود. سپس از سال ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۶ در سازمان حفاظت محیط‌زیست (که در آغاز سازمان شکارباری و نظارت بر صید نام داشت)، فعالیت می‌کرد. او همچنین از سال ۱۳۴۵، در دانشگاه تدریس می‌کرد و در مرکز مشترک آموزشی سازمان زمین‌شناسی آمریکا و سازمان فضایی و هوانوردی آمریکا (ناسا) برگزار شد. وی از سال ۱۳۳۸ تا دو سال پس از انقلاب در سازمان جنگلبانی مشغول به فعالیت بود.

سپس از سال ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۶ در سازمان حفاظت محیط‌زیست (که در آغاز سازمان شکارباری و نظارت بر صید نام داشت)، فعالیت می‌کرد. او همچنین از سال ۱۳۴۵، در دانشگاه تدریس می‌کرد و در مرکز مشترک آموزشی سازمان زمین‌شناسی آمریکا و سازمان فضایی و هوانوردی آمریکا (ناسا) برگزار شد. وی از سال ۱۳۳۸ تا دو سال پس از انقلاب در سازمان جنگلبانی مشغول به فعالیت بود. سپس از سال ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۶ در سازمان حفاظت محیط‌زیست (که در آغاز سازمان شکارباری و نظارت بر صید نام داشت)، فعالیت می‌کرد. او همچنین از سال ۱۳۴۵، در دانشگاه تدریس می‌کرد و در مرکز مشترک آموزشی سازمان زمین‌شناسی آمریکا و سازمان فضایی و هوانوردی آمریکا (ناسا) برگزار شد. وی از سال ۱۳۳۸ تا دو سال پس از انقلاب در سازمان جنگلبانی مشغول به فعالیت بود. سپس از سال ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۶ در سازمان حفاظت محیط‌زیست (که در آغاز سازمان شکارباری و نظارت بر صید نام داشت)، فعالیت می‌کرد. او همچنین از سال ۱۳۴۵، در دانشگاه تدریس می‌کرد و در مرکز مشترک آموزشی سازمان زمین‌شناسی آمریکا و سازمان فضایی و هوانوردی آمریکا (ناسا) برگزار شد. وی از سال ۱۳۳۸ تا دو سال پس از انقلاب در سازمان جنگلبانی مشغول به فعالیت بود.

سپس از سال ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۶ در سازمان حفاظت محیط‌زیست (که در آغاز سازمان شکارباری و نظارت بر صید نام داشت)، فعالیت می‌کرد. او همچنین از سال ۱۳۴۵، در دانشگاه تدریس می‌کرد و در مرکز مشترک آموزشی سازمان زمین‌شناسی آمریکا و سازمان فضایی و هوانوردی آمریکا (ناسا) برگزار شد. وی از سال ۱۳۳۸ تا دو سال پس از انقلاب در سازمان جنگلبانی مشغول به فعالیت بود. سپس از سال ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۶ در سازمان حفاظت محیط‌زیست (که در آغاز سازمان شکارباری و نظارت بر صید نام داشت)، فعالیت می‌کرد. او همچنین از سال ۱۳۴۵، در دانشگاه تدریس می‌کرد و در مرکز مشترک آموزشی سازمان زمین‌شناسی آمریکا و سازمان فضایی و هوانوردی آمریکا (ناسا) برگزار شد. وی از سال ۱۳۳۸ تا دو سال پس از انقلاب در سازمان جنگلبانی مشغول به فعالیت بود.

سپس از سال ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۶ در سازمان حفاظت محیط‌زیست (که در آغاز سازمان شکارباری و نظارت بر صید نام داشت)، فعالیت می‌کرد. او همچنین از سال ۱۳۴۵، در دانشگاه تدریس می‌کرد و در مرکز مشترک آموزشی سازمان زمین‌شناسی آمریکا و سازمان فضایی و هوانوردی آمریکا (ناسا) برگزار شد. وی از سال ۱۳۳۸ تا دو سال پس از انقلاب در سازمان جنگلبانی مشغول به فعالیت بود. سپس از سال ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۶ در سازمان حفاظت محیط‌زیست (که در آغاز سازمان شکارباری و نظارت بر صید نام داشت)، فعالیت می‌کرد. او همچنین از سال ۱۳۴۵، در دانشگاه تدریس می‌کرد و در مرکز مشترک آموزشی سازمان زمین‌شناسی آمریکا و سازمان فضایی و هوانوردی آمریکا (ناسا) برگزار شد. وی از سال ۱۳۳۸ تا دو سال پس از انقلاب در سازمان جنگلبانی مشغول به فعالیت بود.

از نگاه دیگران

باز خوانی دستاوردهای یک مروج علم

همیشه دور از هیاهو

سیروس برزو

استاد «احمد دالکی» از جمله نیکان روزگار است که سال‌های سال، به دور از جار و جنجال‌های زمانه، به ترویج دانش اخترشناسی در ایران پرداخته‌اند. ایشان یکی از چهره‌های شاخص عرصه ترویج دانش اخترشناسی طی چند دهه گذشته، چه در عرصه تلویزیون و چه دیگر رسانه‌های همگانی است و فعالانه در این زمینه تلاش کرده است. البته دامنه فعالیت ایشان تنها به رسانه‌های گروهی محدود نمی‌شود، از جمله کارهای بارز وی، در زمینه ترویج علم، می‌توان تلاش برای راهاندازی رصدخانه پارک زعفرانیه، کمک به راهاندازی آسمان‌نمای تهران و همت در طراحی و ساخت مرکز علوم و ستاره‌شناسی تهران را نام برد. بیان شیوای وی و برخورد مهربانه‌اش با قشر دانش‌آموز، باعث تشویق جوانان و نوجوانان بسیاری شد که در زمینه نجوم فعالیت کنند و از محضر او دانش بیاموزند. شاید بتوان گفت یکی از دلایل اساسی موفقیت مهندس «احمد دالکی» در ارایه اطلاعات جدید، (جدا از تحصیلات دانشگاهی و بیان شیوایش)، سفرهای پژوهشی فراوانی است که او به قسمی نقاط جهان داشته و از نزدیک، بسیاری از رصدخانه‌ها و مراکز پژوهشی را دیده و با کارشناسان مختلفی دیدار کرده است. شاید بتوان گفت وی تنها فرد ایرانی است که از بیش از ۶۰ مرکز علمی، رصدخانه، موزه فضایی و آسمان‌نمای بزرگ دنیا دیدن کرده و با مسوولان بسیاری از آنها گفت‌وگو داشته است که از جمله می‌توان به رصدخانه گرینویچ لندن، رصدخانه هیل و موزه اسمیت‌سونین اشاره کرد. عشق و علاقه مهندس «احمد دالکی» به پژوهش‌های علمی، باعث شد که وی سفرهای متعددی در نقاط دنیوی و مورد توجه اخترشناسان و علاقه‌مندان به تاریخ زمین داشته باشد که از جمله می‌توان بازدید از گودال شهاب‌سنگی در آرژوئنا دیدار از محل برخورد شهاب‌سنگ چیکسولوپ (که گفته می‌شود ۵۵میلیون سال قبل باعث نابودی دایناسورها شد) و رصدخانه باستانی اقوام مایا در مرکزیک را نام برد.

ایشان در کنار فعالیت‌های رسانه‌ای متعدد، برای رده‌های سنی مختلف، کتاب‌های مختلفی ترجمه کرده یا نوشته‌است که از جمله می‌توان به کتاب‌های دانشگاهی «اصول تفسیر تصاویر ماهواره‌ای» و «چشمی در آسمان» تا کتاب‌های نوجوانانه مثل «۱۰۰۱ حقیقت درباره فضا»، «منظومه شمسی» و «راهنمای فضا» اشاره کرد. بنده افتخار دیدار با ایشان را از اواسط دهه ۱۳۶۰ پیدا کردم. مهندس «دالکی» در آن زمان برنامه‌ای با نام گوناگون را برای تلویزیون تهیه می‌کردند. دوستی و ارادت من نسبت به ایشان به دلیل خلوص نیت و باک‌پختی ایشان، روزبه‌روز بیشتر شد و اینک برای من باعث افتخار است که در ماهنامه «آسمان شب» به عنوان همکار در خدمت این انسان شریف و پاک‌نهاد فعالیت می‌کنم.

✎ کارشناس تاریخ فضانوردی

خاطره ماندگار

استادان را قدر بدانیم

نقیشه غلامی

سال ۱۳۷۸، آخرین خورشیدگرفتگی قرن بود که افتخار آشنایی با مهندس «دالکی» برایم فراهم شد. در آن همایش که مهندس «کریم‌پور» دبیری آن را بر عهده داشتند، استاد «دالکی» و بزرگوارانی مانند مرحوم دکتر «عدالتی» (که یادشان را گرامی می‌دارم) دیدگاه من را نسبت به ستاره‌شناسی تغییر دادند. سال‌ها گذشت تا افتخار همکاری را پدر نجوم آماتوری ایران برایم فراهم شد. بسیاری مهندس «دالکی» را با برنامه «گوناگون» و «آسمان شب» می‌شناسند، اما حضور ایشان در ماهنامه «آسمان شب» تلاش دیگری بود که این مرد خستگی‌ناپذیر برای ترویج علم انجام داد. از صمیم قلب امیدوارم قدر این پدران علمی را بدانیم و یاد بگیریم که نادمه‌گرفتن این بزرگواران، چیزی از پدران ارزش آنان کم نمی‌کند، یکچیز رفتاری مانند رفتار آن شخصی است که به کوه، سنگ پرتاب می‌کند. با آرزوی سلامتی برای مهندس «دالکی» و همسر گرامی‌شان که همواره پشتیبان و یاور ایشان بوده‌اند، به مصداق آن مثل که «بشت هر مرد موفق، زن فداکار ایستاده است».

✎دبیر تحریریه ماهنامه بین‌المللی آسمان شب

درفتر چه خاطرات

خاطره‌ای از معلمی خوش‌رو و خوش‌گو

آموزگار من و همه هم‌نسلانم

محمدرضا رضایی

در نوجوانی، خاطره‌ای از مهندس «دالکی» دارم که هر وقت یاد آن می‌افتم، بی‌اختیار خندم‌ام می‌گیرد و با کالافرمزی همدان‌نداری می‌کنم؛ زمانی که ۱۲-۱۱ سال بیشتر نداشتم، بدون اطلاع خانواده و با همدستی یکی از دوستام، بدون آنکه نام و نشانی از مهندس داشته باشم، از اصفهان، برای دیدن ایشان راهی تهران شدم. زمانی که در میانه راه، راننده محترم اتوبوس از نیت (سوء) من پلخبر شده، پس از رسیدن به تهران و در همان ترمینال جنوب، با اولین سروسوز مرا به اصفهان نزد خانواده برگرداند. خدا خیرش بدهد، اگر او نبود، معلوم نبود که به عشق دیدن مهندس، در تهران چگونه سرگردان می‌شدم و چه بلایی ممکن بود سرم بیاید، شاید هم گیر یک باند تبهکار می‌افتادم! در همان دوران نوجوانی یا خواندن کتاب‌های «ایزاک آسیموف» و دیدن برنامه «آسمان‌شب» مهندس «دالکی» به دانش ستاره‌شناسی و بعد از آن به علم نجوم و فضا علاقه‌مند شدم. در شب‌هایی که برنامه آسمان شب پخش می‌شد، جلوی تلویزیون میخکوب بودم و با اشتیاق به حرف‌های پیرمردی خوش‌رو گوش می‌دادم که از زیبایی‌های آسمان بالای سرمان صحبت می‌کرد. آنقدر برنامه‌های استاد «احمد دالکی» و فن‌بیانش روی من تأثیرگذار بود که تکه‌کلام‌هایش (که هنوز هم دارد)، تا مدت‌ها از دایره لغات من بیرون نرفت. تکه‌کلام‌هایی مانند، «علی‌هذا»، «علی‌ای‌حال» و غیره آنهایی که از نزدیک ایشان را می‌شناسند، می‌داند چه می‌گویم. همیشه گوش‌هایم را هنگام پخش برنامه تیز می‌کردم تا شاید نلمه یا سوال من را هم در تلویزیون بخواند و پاسخ بگوید. در آن زمان «احمد دالکی»، در نظر من یک آموزگار و معلم نجوم بود و دیدار وی از نزدیک و ارتباط با او، یکی از آرزوها و هدف‌های من به‌شمار می‌رفت. هرچند من در نوجوانی نتوانستم ایشان را از نزدیک ببینم و حسرتش بر دلم ماند، اما چرخ روزگار چنان چرخید که در حال حاضر در مجله‌ای (آسمان شب) قلم می‌زنم که مهندس «دالکی»، مدیرمسوول آن است و افتخار شاگردی ایشان را دارم. من «احمد دالکی» را معلم نجوم خود و هم‌نسل‌ام می‌دانم و همیشه به خاطر تلاش‌هایش در ترویج و گسترش نجوم در بین مردم و دانش‌آموزان، قدردان زحماتش هستم. به امید سلامتی و بهروزی برای ایشان!

✎روزنامه‌نگار و پژوهشگر علوم فضایی